

ایام بسیار گرفتار بودم و همین قانون مواد دائمی برنامه ششم بود که خیلی وقت برد و نیاز به دقت نظر داشت. همچنین خود برنامه ششم بود که یکسری مسائل قبل از آن داشت و برای مجلس بسیار وقت گیر بود و خودتان توجه داشتید که حدود ۶ هفته وقت مجلس را به خود اختصاص داد. حالا هم که فصل بود چه است و من فرصت کافی برای بررسی این دست مسائل ندارم. ضمن اینکه نکته دوم این است که دغدغه من الان این چیزها و این دست مسائل نیست. دغدغه من برمی گردد به تحلیلی که از شرایط داریم. من فکر می کنم که مسائل مادر حوزه اقتصادی یکسری پیچیدگی هایی پیدا کرده و در مسائل منطقه ای هم درگیر یکسری پیچیدگی های دیگری هستیم. فرصت ما هم محدود است و من قطعاً این دو موضوع را به مسائل دیگر اولویت می دهم و سعی می کنم برای این چیزها وقت و انرژی بگذارم. چون برای آن مسائل داخلی کشور کسانی هستند که فکر می کنند تصمیم می گیرند و خلاصی از این لحاظ نداریم، لذا من سعی می کنم بیشتر به این مواردی که گفتم، توجه داشته باشم.

البته آقای دکتر! دولت ها و معادلات سیاسی روی همین مسائل تأثیر گذار هستند و خیلی از مسیرها تعیین می کنند.
البته که تأثیر گذار هستند و شکی در این نیست. مسأله این است که افرادی برای شرکت در آن دست مسائل هستند، ضمن اینکه خودم فعلاً تمایلی برای حضور در این مسائل در مقطع فعلی ندارم و البته جنس افراد هم در این مسأله نقش دارد.

مجموعه اصولگراییان در انتخابات سال گذشته عمدتاً شعارهایشان معطوف به موضوع معیشت و بار و یکره انتقاد از دولت بود که البته نتیجه دلخواهی هم که می خواستند کسب نکردند. الان احساس می کنید بعد از نتایج انتخابات های ۹۴ و ۹۶ اصولگراییان تجدید نظری در مجموعه رفتارها، شیوه ها، شعارها و برنامه های رقابت سیاسی شان کرده اند؟
فکر می کنید برای همان انتقادات از عملکرد اقتصادی دولت برنامه ریزی خاصی دارند؟

من البته گفتم که ارتباط نزدیکی برای اینکه بدانم اینها در شرایط فعلی چگونه عمل می کنند، ندارم که بدانم اینها چه محورهایی را مد نظر دارند و چه سیاستی را دنبال می کنند. اما در کل متفاوت هستند و شما هم می دانید که همین اصولگرایان گروه های متفاوتی با نقطه نظرات متفاوت دارند. بعضی ها مسائل اقتصادی را جدی تر می دانند و برخی مسائل دیگری را مد نظر دارند و از زاویه های مختلفی به این مسائل نگاه می کنند. به هر حال صف بندی های متفاوتی دارند و من معتقدم یک دست نیستند.

ولی آیا نشانه هایی از تجدید نظر در آنها می بینید؟ الان می گویند می خواهیم ارتباط خود را با بدنه برقرار کنیم. این شیوه پارلمان مردمی هم که انتخاب کردند معطوف بر همین است که می خواهیم با بدنه ارتباط بیشتری داشته باشیم.

پارلمان مردمی دیگر کدام است؟
همین که افراد متعددی را جمع کرده اند تا نامزد واحد را از دل آنها در بیاورند.

حالا این هم شیوه ای است برای حل موضوع. بد هم نیست. اما من فکر می کنم آن چیزی که ما باید تلاش کنیم، این است که جریان های سیاسی هم حضور جدی داشته باشند که می توانند مفید باشد. هم اینکه پایه های درستی متناسب با شرایط کشور برای تصمیم گیری خودشان بسازند. انتخابات امر مبارکی است و باید به افزایش توانمندی کشور کمک کننده سایش. گاهی انتخابات تبدیل می شود به سایش در کشور و همه ضرر می کنند. حضور و مشارکت مردم در این دست فعالیت ها امر مبارکی است. اگر پایه آن این باشد که ما مسائل مهم کشور را درست بفهمیم و درک کنیم و با متدولوژی درستی آن را پیاده کنیم قطعاً کار خوبی است. اما اینکه آیا این توانمندی در گروه های سیاسی موجود هست یک سؤال دیگری است. گاهی انسان می بیند در برخی تحلیل ها نوشته هایی که در مطبوعات هست یکسری توانمندی ها وجود دارد و گاهی هم انسان این را احساس نمی کند و می بیند برخی هنوز همان رویکردهای قدیمی را دنبال می کنند. روزنامه ها را وقتی ورق می زنیم، این تفاوت ها را در آنها می بینیم. باید تلاش کرد که نقل تحولات سیاسی در کشور از یک عقلانیت مسئولانه برخوردار باشد.

در خصوص همین انتخابات فکر می کنید فقدان آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان یک شخصیت تأثیر گذار در انتخابات های سال های ۹۴ و ۹۶ که در واقع یکی از هدایتگران اصلی این دو انتخابات بودند، در صف آرای و تحولات پیش رو چقدر مؤثر باشد؟

فکر می کنم ظرف زمانی این انتخابات با انتخابات سال ۹۲ و حتی سال ۹۴ متفاوت باشد و مؤلفه های تأثیر گذار آن هم متفاوت هستند. ما نباید تنها با یکی برداری از گذشته بخواهیم شرایط آینده را ترسیم کنیم. من فکر می کنم به طور کلی تحولات چه در داخل و چه بیرون بسیار سریع است و متناسب با همین ظرف باید

تصمیم گرفت. این متنی که ما الان به لحاظ سیاسی و اجتماعی در درون آن قرار داریم مؤلفه هایی دارد که باید آن را در همین زمان و شرایط مورد بررسی قرار دهیم. به همین دلیل به نظرم هر چند آقای هاشمی رفسنجانی یک شخصیت ممتاز در انقلاب بودند و در آن نقش داشتند، اما اکنون که نیستند باید با شرایط فعلی مسائل را طراحی کرد و درباره آنها نظر داد.

یعنی فکر جریان اعتدالی که دولت یازدهم محصول سیاست ورزی آن است از نبود آقای هاشمی در انتخابات و تحولات پیش رو متضرر می شود؟

فکر نمی کنم این طور شود. به هر حال این پدیده ای است که خاستگاه خود را دارد. طبعاً آیت الله هاشمی رفسنجانی در مسائل مهم کشور نقش جدی داشتند ولی این یک مسأله عمومی است که من فکر می کنم در آذهنان جای خود را باز کرده و خاستگاه و پایگاه خود را به دست آورده و بدون آقای هاشمی هم می تواند کار خود را بکند.

بعد از فوت آقای هاشمی یکی از دغدغه های اصلی، مسأله بر کردن خلأ حضور ایشان بود. عموماً هم از همکاری و همگرایی چهره های معتدل و میانه رو و البته منتقد جریان ها به عنوان مجموعه ای که می توانند این خلأ را پر کنند، یاد شده و از حضرت تعالی هم در این میان به عنوان یک نیروی مؤثر نام برده شده است. خودتان درباره این موقعیت چه نظری دارید و آن را چگونه می بینید؟

فکر می کنم شخصیت های سیاسی هر کدام در مقطعی تأثیرات سیاسی و خاص خود را دارند. ما نباید به دنبال پر کردن جاهای خالی باشیم و به نظرم حتی کار امکان پذیر هم نیست. این جور مثلاً آیت الله هاشمی رفسنجانی برای خودش تعریفی داشت و دارای تاریخی بود که مختص به ایشان بود. این با افراد دیگر متفاوت است و هر فردی برای خودش چارچوب ها، توانمندی ها و نقش های خاص خود را دارد. من فکر می کنم به جای اینکه مباحث در کشور باید از مسیرهای دیگری به موضوعات و مسائل تقرب پیدا کنیم. ما زمانی چهره هایی مانند آیت الله شهید بهشتی داشتیم، آیت الله باهنر را داشتیم، آیت الله مطهری را داشتیم، آقای رجائی را داشتیم و امثال این بزرگان. در آن مقطع

با حضور این چهره ها کشور به لحاظ سیاسی یک جور دارای سازمان بود. یک زمانی هم آقای هاشمی و بزرگان دیگری بودند که یک جور کار می کردیم. حالا هم که نیستند، قطعاً روز قیامت نشده است. باز دوباره باید به سمت چنینش های جدید برویم و کار را ادامه دهیم.

یعنی معتقد به ساخت شخصیت های جدید در کشور هستید؟

به طور طبیعی نمی شود اینها را ساخت. اینها به طور طبیعی در درون یک کشور و در یک پروسه طبیعی رشد می کنند، می آیند و حضور پیدا می کنند. منتهی باید همیشه از گذشته پندهای درست گرفت و از ظرفیت های موجود استفاده کرد و از رفتار و نظرات و ایده های آنها استفاده کرد. یعنی باید اجازه بازی کردن به نیروی سیاسی بدیم. به هر حال جریان آمدن و رفتن افراد و شخصیت ها همیشه هست و در طول تاریخ هم همین بوده است.

در ادامه همین بحثی که اشاره کردید، یعنی استفاده از ظرفیت های سیاسی می خواهیم به تغییر مجلس در سال ۹۴ اشاره کنم که مجلس جدیدی روی کار آمد. اوایل تشکیل مجلس دهم بسیار گفته می شد که نمایندگان تازه کار و کم تجربه هستند و احتمالاً نمی توانند کار آیی داشته باشند. الان ۹ ماه از تشکیل مجلس می گذرد. در این مدت داور شما از آن قضاوت های اولیه درباره مجلس دهم چیست؟

مجلس کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته است و شبیه هیچ مجلسی نیست. هم از نظر بافت سیاسی، هم از نظر بافت علمی و هم رفتار سیاسی و اجتماعی. من فکر می کنم از امتیازات این مجلس، این است که انضباط آن خیلی بیشتر از گذشته است. حضور نمایندگان و وقت گذاری آنها هم جدی تر است. مضافاً اینکه دغدغه نمایندگان مجلس دهم بیشتر از آنکه به دغدغه ها و کشمکش های حاشیه ای معطوف باشد، نگاه و دغدغه آنها معطوف به مسائل ملی و اقتصادی کشور است.

این محسّنات کار است و من می بینم که هم در مسائل منطقه ای و هم ملی واقعاً دنبال کار هستند. نمایندگان جدید در همین ۹ ماه هم کارهای مهمی صورت داده اند. فرض بفرمایید قانون استاندارد که قانون بسیار مهم و مادری است در همین ۹ ماه تصویب شد. مسأله بودجه کشور در همین ظرف بررسی می شود. مواد دائمی برنامه ششم و خود برنامه ششم در همین مدت کارش انجام شد. به اضافه ده ها طرح و لایحه کوچک تر که بررسی شد. در مسائل ملی هم روی هم رفته تحلیل مشترکی در مجلس وجود دارد. البته همیشه در مجالس اختلاف نظر وجود دارد اما حسن این مجلس این است که چارچوب های منافع ملی را خوب می فهمد و روی آن تأکید می کند و آدم حس می کند که این موضوع وجود دارد.

آن پختگی لازم را در رفتارها با توجه به جدید بودن بسیاری از نمایندگان آیا در مجلس می بینید؟

خب این هم یک امر نسبی است. به هر حال مجلسی که از درون یک مردمسالاری درمی آید، حسن است و از ویژگی های مردمسالاری است. ما الان در منطقه مجلسی داریم که نمایندگان آن ۲۰ سال است که تغییر نکرده اند. این حسن نیست برای یک مجلس. تبعات تغییر افراد هم یکی این است که وقتی می آیند، ممکن است که تمام اطلاعات را به صورت بند بند، به اندازه افرادی که قبلاً بوده اند نداشته باشند. این ضعف بزرگی نیست و زود رفع می شود. اصل قضیه داشتن نگاه ملی و سازنده به مسائل است. من فکر می کنم نمایندگان مجلس دهم این توانمندی را داشتند و خیلی زود روی کار سوار شدند. البته مرکز پژوهش ها هم تلاش می کند که با گزارش ها و تحلیل ها و اطلاعاتی که می دهد، نمایندگان را کمک کند و من اوضاع را از این جهت کاملاً مثبت می بینم.

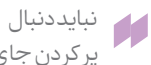
الان وضعیت روابط مرکز پژوهش ها با نمایندگان نسبت به دوره های قبل چطور است؟ قبلاً این رابطه چندان محکم نبود و نمایندگان بهره ای از مطالعات و بررسی های مرکز پژوهش ها نمی بردند و به عبارتی به آن کم توجهی می شد. خصوصاً اینکه با توجه به کمبود وقت نمایندگان برای بررسی فنی مسائل مختلف، نتیجه کار این مجموعه در تصمیم گیری های مجلس می تواند بسیار مهم باشد.

الان خوب است و مرتباً اظهار نظر ها را می دهند و می بینیم. یعنی کارشناس میان نمایندگان دیده می شود و مورد توجه قرار می گیرد؟

بله. این اتفاق خوشبختانه می افتد و خیلی مواقع همین گزارش ها و بررسی های کارشناسی در نظر نمایندگان تأثیر می گذارد. یک کاری هم که مستمراً باب شده و مرکز پژوهش ها انجام می دهد، تحلیل شرایط کشور است. تحلیل مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور. مثلاً الان که فصل بودجه است یک تحلیلی از شرایط بودجه ارائه کرده اند. یک تحلیل سالیانه هم من گفته ام که بدهند که بررسی اوضاع اقتصادی است. از سال قبل را داده اند و گزارش امسال هم در مراحل نهایی است که چاپ شود. اینها کمک می کند که تحلیل مشترک از شرایط داشته باشیم.

در این مجلس بعد از چند سال که اخوان لاریجانی در صدر قوای مقننه و قضائیه حضور داشتند، اخیراً یکی دوبار گلایه هایی سر موضوع لغو سخنرانی آقای مطهری در مشهد مطرح شد یا تفاوت دیدگاه هایی بر سر برجام پیش کشیده شد که آیت الله لاریجانی گفتند تجربه تلخی بوده و شما همچنان مدافع آن هستید. الان آیا شرایط فرقی کرده که این تفاوت دیدگاه ها و گلایه ها علنی شده است؟ مضافاً اینکه آیا اینها در روابط دو قوه تأثیری داشته؟

روابط دو قوه برادرانه است. شما می خواهید این را به هم بریزید؟ (خنده) به طور طبیعی مطالب و منظرها بر حسب مسئولیت هایی که افراد دارند می تواند تفاوت هایی داشته باشد. همه قوا اینطور هستند و این مسأله روابط شخصی در مسئولیت های دستگاهی نمی تواند خیلی تأثیری بگذارد. اختلاف و روابط ما با قوه مجریه هم همینطور است. ممکن است که در مسأله ای بین قوه مقننه و مجریه هم اختلافی وجود داشته باشد اما دلیل نمی شود که روابط برادرانه خودشان را از زمین ببرند. الان قوه مقننه اهتمامش بر این است که



نباید دنبال پر کردن جای خالی (هاشمی) باشیم و به نظرم حتی این کار امکان پذیر هم نیست این شخصیت ها در یک پروسه طبیعی رشد می کنند، می آیند و حضور پیدا می کنند. منتهی باید همیشه از گذشته پندهای درست گرفت یعنی باید اجازه بازی کردن به نیروی سیاسی بدیم

